



نوشته از بصیر دهباز

در کاربرد القاب علمی ، اکادمیک و تحصیلی باید دقیق بود

بعضی در صفحات مجازی و گزارشات خبری دیده میشود که بعضی از افراد و شخصیت های که بدون شک دارای تحصیلات تخصصی، تجارب بزرگ و سابقه کاری اند، با القاب علمی، اکادمیک و تحصیلی یاد میگردند که بجا و دقیق نیستند. این چنین شیوه بکارگیری القاب علمی و تحصیلی علاوه بر آن که وجاهت سابقه تحصیلی، کاری و تخصصی اصلی یک فرد را زیر سایه و سوال قرار میدهد، خود یک عمل نامناسب، غیر مسئولانه و عدم هتک حرمت به قوانین و حق کاربرد القاب ، تیتل های علمی ، اکادمیک و تحصیلی میباشد. همچنان دیده شده است که در سیستم و یا تشکیلات اداری ترم ها یا اصطلاحات بکار برده میشوند که در ترمولوژی حقوق اداره و اداره عامه کاپی شده از ترمولوژی و یا نا آشنا اند.

در سالهای بعد از ایجاد حکومت تحت حمایت آمریکاسیل افراد از کشور های غربی به افغانستان رو آورده و در پست های مختلف گماشته شدند . بدون شک تعدادی از این موقوف ها و شرایط درهم و برهم که ساختار دولتی بعد از یک فروپاشی داشت شکل گیرد، از جانب بعضی از اینها مورد سو استفاده قرار گرفته با القاب و بسته از دیپلوم های چند مرتبه ئی از جمله کارمند ارشد، مشاور ارشد، استاد، دوکتور ، پروفیسور و غیره مهر در پیشانی زدند و یا توسط افراد و موسسات دولتی و غیر دولتی داخلی و خارجی (انجو ها) این القاب را به تحفه گرفتند. علاوه بر بازار تقلب و سو استفاده از اسناد جعلی که با چند هزار رویه پاکستانی و چند بوتل ویسکی انگلیسی در زمان بحران اقتصادی شوروی حاکمیت گرباچوف و بوریس یلتسن قابل دسترسی بود، چوک گردید.

من به آنان که با اصل شایسته سالاری، لیاقت و با موفقیت بسر رساندن شرایط کسب لقب های علمی و تحصیلی را بدست آورده اند، حرمت بزرگ دارم و بدان بحیث یک حق مشروع و قانونی ارج میگذارم و در واقعیت امر این یک حق مسلم قانونی و محفوظ هم است.

اما نکته قابل توجه و دقت این است که ما همه، از کارمندان رسانه ها، استفاده کننده گان جهان وسیع انترنتی ، نویسنده گان و اهل سیاست تا کارمندان دستگاه دولت باید در کاربرد اصطلاحات و القاب تحصیلی، علمی و اداری ،مسئولیت داریم تا بر آن حق مسلم و مشروع صاحبان اصلی این القاب و تیتل های علمی و تحصیلی نباید هتک حرمت نمائیم . باید ، قلم ، نوشته و گپ خود را در مطابقت و چوکات همان اصول حقوقی و قانونی، در بکار بردن القاب علمی، اکادمیک ، تحصیلی و اداری حفظ نمائیم.

با کمال تأسف در سالهای جنگ حتی افرادی، نظر به گفته خودشان، در میدان های جنگ گروپهای کوچک را درس استفاده از سلاح میدادند و در بازار تجارتي امروز لقب استاد را بر پيشاني زده اند.

برای روشنی معلومات و کاربرد دقیق این اصطلاحات لازم میدانم تا نکات قابل توجه ذیل را با شما شریک سازم. اصطلاح کارمند ارشد کدام منبع و موخذ در بخش حقوق اداری و اداره عامه افغانستان آشنا نیست و من تا هنوز به این اصطلاح بر نخورده ام. ولی در سیستم اداری دولتی پست های اداری هرکدام تعریف و نظر به تخصص، صلاحیت و مسئولیت در تشکیل اداری جا داده شده اند. در ترمولوژی تشکیلات اداری ما همیشه "کارمند (ان) عالیرتبه" را بکار میبردیم. نباید فراموش نمود که در سالهای اخیر تعداد افراد در پست های تشکیلات اداری قرار گرفتند که نسبت دور بودن طولانی از کشور و عدم آشنائی در ترمولوژی تشکیلات اداری افغانستان، بیشتر اصطلاحات و یا ترم های معمول در سیستم اداری ایران را به عاریت گرفته اند، در حالیکه اصطلاحات معمول و مأنوس حقوق اداره و اداره عامه در افغانستان را در یخچال های فکری شان گذاشته اند.

ما به عوض اصطلاح مشاور ارشد، برای حلقه مشاوران دسته اول دستگاه ریاست جمهوری و حکومت که دارای بست اداری بلند اند، میتوانیم دوباره اصطلاح مشاور عالی را احیا نمائیم. در اصطلاح سر مشاور زمان قابل استفاده است که در یک اداره تیم از مشاوران با یک سر مشاور در تشکیلات اداری وجود داشته باشد.

اصطلاح پروفیسور بالا ترین مقام علمی و اکادمیک که در مجامع صرفن علمی و اکادمیک بکار برده میشود، در صورتیکه:

۱- عملن در دانشگاه / پوهنتون که مرجع رسمی کسب تحصیل به درجه های لیسانس، ماستری و دوکتورا بوده، تدریس نماید و یا در گذشته این لقب علمی را کسب نموده باشد. نظر به قانون موسسات تحصیلات عالی و مسلکی تنها استادان دارای رتب علمی پوهندوی، پوهنوال و پوهاند میتوانند از لقب پروفیسور استفاده نمایند. قابل توجه است که یک فردی با داشتن درجه تحصیلی دوکتورای تخصصی، حتی با کار و تجربه طولانی، که در مراجع علمی تحصیلات عالی و مسلکی بحیث استاد کار نکرده باشد، حق ندارد از لقب پروفیسور استفاده نماید. قابل تذکر است که نظر به قانون تحصیلات عالی و مسلکی، دارنده گان القاب علمی دانشگاهی یعنی پوهیالی، پوهنیار و پوهنمل بحیث اسیستانت پروفیسور تعریف گردیده اند. شرایط برای کسب لقب علمی در پوهنتونها نظر به سابقه کار، حد اقل سه سال، نوشته و ترجمه یک اثر علمی و شرایط دیگر معین گردیده اند. مثلاً یک پروفیسور دارای لقب پوهاند باید حد اقل ۱۶ سال سابقه تدریس در یک مرجع رسمی علمی و اکادمیک داشته باشد و حد اقل ۱۰ اثر علمی بکر را تحریر و یا ترجمه نموده باشد و رتب علمی را در هر سه سال تا سطح پوهاند، کسب نموده باشد.

در رسانه ها مواردی وجود داشته است که بدون معلومات دقیق رتبه ها و القاب علمی بکار برده شده اند که از دیدگاه حق استفاده از القاب علمی و تحصیلی اشتباه و میتواند قابل بررسی قانونی باشند.

من معتقدم که یک شخص با سابقه تحصیلی، تخصص در یک رشته معین و عرصه که کار نموده است، و حاجت بیشتر را بخود حفظ خواهد نمود تا با القاب و دادن تایتل که نمیتواند مرتبط و منطبق باشد.